

دیگر که انتخابات جدید کنگره هست، شرایط برایش فراهم است و می‌تواند یکه‌تازی کند.

بنابراین، روش ترامپ هم از دایره سیاست خارجی کلاسیک خارج است و هم از دایره سیاست‌های حزبی آمریکا و مقداری زیادی حول و حوش پرسونال برند و شخصیت خود ترامپ می‌چرخد. به این دلیل باید منتظر بود و دید که آمریکا در دوره او چه اتفاقاتی را در سیاست خارجی رقم می‌زند.

◀ به نظر می‌رسد روند تحولات پرچالش در سطح بین‌الملل و همچنین منطقه خاورمیانه تا سطحی تحت تأثیر مناسبات شخصی ترامپ و پوتین قرار گرفته است. این تأثیر را می‌توان در تسهیل فرآیند مذاکرات اوکراین و بروز نشانه‌های جدی از کرملین برای حل پرونده اختلافات میان ایران و آمریکا دید. این همسویی واشنگتن-مسکو و پیامدهای آن بر روندهای جاری دیپلماتیک را چطور ارزیابی می‌کنید؟

من ابتدا اشاره کنم که در شرایط معاصر آمریکا، اینکه چه بر سر خود آمریکا خواهد آمد، مهم‌تر از همه مؤلفه‌های دیگر است. بسیار مهم است که مرزهای منافع ملی در رقابت‌های سیاسی رعایت شود. در آمریکا در رقابت‌های سال‌های اخیر و با حضور آقای ترامپ، اتفاقی که افتاده این است که این مرزها نقض می‌شود. رئیس‌جمهوری روی کار آمده که تا اندازه‌ای ساختارشکن و بی‌اعتماد به سیستم است و به شکلی دنبال تغییر ساختار و سیستم است و از رقبای خود و همان سیستمی که او را روی کار آورده است، بی‌حد و مرز انتقاد می‌کند. بنابراین، اینکه خود جامعه سیاسی آمریکا که هیچ‌وقت تا این اندازه دچار شکاف نبوده، چه مسیری را طی خواهد کرد، بسیار حائز اهمیت است. الان هم حزب جمهوری خواه هیچ حرفی در مقابل آقای ترامپ ندارد و حزب دموکرات هم به حاشیه رفته است. البته این‌طور نخواهد ماند؛ ولی در ادامه روش‌های رادیکال آقای ترامپ حتماً عکس‌العمل‌های رادیکالی را هم برخواهد انگیزت و اینکه این دعوا و اختلاف در آمریکا به چه شکلی پیش خواهد رفت، بسیار مهم است. این موضوع روی مسائل دیگر هم یعنی مناسبات جهان تأثیر دارد. آیا ترامپ خواهد توانست همین‌طور یکه‌تازی کند یا نه، حزب و نهایتاً نظام سیاسی، مقداری ترامپ و رئیس‌جمهوری را کنترل می‌کند؟ این موضوع را به این دلیل اشاره کردم که بر همه چیز تأثیر می‌گذارد؛ هم بر رفتار آمریکا در خاورمیانه، هم نسبت به ایران،

هم نسبت به اروپا و هم نسبت به روسیه. در مورد روسیه باید گفت که روس‌ها به صورت سنتی جمهوری خواهان را به دموکرات‌ها ترجیح می‌دادند؛ یعنی روابط روسیه حتی در دوره شوروی با جمهوری خواهان نسبت به دوره‌ای که دموکرات‌ها روی کار بودند، وضعیت بهتری داشته است.

◀ اما به نظر می‌رسد نزدیکی روسیه به جمهوری خواهان در شرایط کنونی بیشتر متأثر روابط خاص پوتین و ترامپ است.

بله؛ به صورت خاص، ترامپ یک خوش‌بینی نسبت به روسیه دارد و روس‌ها هم علاقه‌مندی خاصی به ترامپ دارند. البته در گذشته، در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، از این علاقه‌مندی نتیجه خاصی جز چند گفت‌وگو و دیدار حاصل نشد. اما این بار به نظر می‌رسد که ترامپ با اراده بیشتری وارد گفت‌وگو با روسیه شده است؛ زیرا مایل است به جنگ در اوکراین پایان بدهد و تا اندازه‌ای حق را به روسیه می‌دهد. این تصور را دارد که تداوم این جنگ الزاماً به دلیل مقابله اوکراین با روسیه نبوده است، بلکه به دلیل حمایت بی‌حد و حصر آمریکا و اروپا از شخص آقای زلنسکی و تصمیمات و رویکردهایش بوده است.

بنابراین در مورد روابط خاص و موضوع اوکراین، آنچه که ترامپ تا اینجا انجام داده است، بیش از آن چیزی بوده که روسیه انتظار داشته است؛ در انتقاد از اروپا و و تحقیر اوکراین هم همین‌طور. اما اینکه آیا این منجر به صلح هم خواهد شد یا نه، بستگی به وقتی دارد که ترامپ خواسته‌های خود از روسیه را مطرح کند. او حتماً یک خواسته‌هایی را هم از روسیه خواهد خواست؛ چون مذاکره صلح بر اساس مصالحه و معامله شکل می‌گیرد. خواسته روسیه رفع شدن انسداد



**انتظار می‌رود ترامپ درباره سایر موضوعات مانند خاورمیانه، غزه، سوریه و ایران هم بتواند با روسیه تفاهم کند و به نتیجه برسد. من معتقدم حتماً مانند دوره قبل گفت‌وگوهای حداقلی بین روسیه و آمریکا در این زمینه‌ها شکل خواهد گرفت. اما اینکه یک همکاری حداکثری هم شکل بگیرد و به نتایجی منتهی شود، به عوامل مختلفی بستگی دارد**

پول‌هایش (نزدیک به ۶۰۰ میلیارد دلار پولی که در خارج از کشور دارد) و احتمالاً رفع تحریم‌ها و همچنین عدم عضویت اوکراین در ناتو است. امکان تحقق درخواست سوم محتمل تر است؛ ولی باید دید در ازای این خواسته‌ها حاضر است یک عقب‌نشینی نسبی از سرزمین‌هایی که اشغال کرده است، انجام دهد یا نه که معلوم نیست.

همچنین انتظار می‌رود ترامپ درباره سایر موضوعات مانند خاورمیانه، غزه، سوریه و ایران هم بتواند با روسیه تفاهم کند و به نتیجه برسد. من معتقدم حتماً مانند دوره قبل گفت‌وگوهای حداقلی بین روسیه و آمریکا در این زمینه‌ها شکل خواهد گرفت. اما اینکه یک همکاری حداکثری هم شکل بگیرد و به نتایجی منتهی شود، به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ از جمله باید مشخص شود که موضوع اوکراین به کجا می‌رسد و آیا روابط اروپا و آمریکا ترمیم خواهد شد یا نه در همین وضع متشنج و بی‌اعتمادی باقی خواهد ماند.

◀ ایران در کجای این معادله قرار می‌گیرد؟ پیش از بازگشت «ترامپ» منطقه آسیا بستر ائتلاف‌های نوظهوری بود که زیر سایه تقویت پیوند راهبردی با زیگنران این عرصه همچون ایران، روسیه و چین در حال شکل‌گیری بود. برقراری مناسبات گرم مسکو-واشنگتن بر سیاست عملی ایران در این منطقه چه پیامدهایی به جای خواهد گذاشت؟ آیا ایران بخشی از خواسته‌های احتمالی ترامپ در روند توافق صلح اوکراین با روسیه خواهد بود؟ بویژه که در هفته‌های اخیر زرمزه‌های جدی از فعال شدن نقش میانجیگرانه روسیه در مذاکرات هسته‌ای شنیده می‌شود.

روسیه یکی از ارکان اصلی برجام و بخشی از گفت‌وگوهایی بود که طی سال‌های طولانی در زمینه پرونده هسته‌ای جریان داشت. بنابراین اینکه این کشور در چهارچوب پرونده هسته‌ای ابتکاراتی در دست اجرا داشته باشد و حتی در این رابطه تعاملاتی با آمریکا برقرار کند، مسأله تازه‌ای نیست و در دوره قبلی آقای ترامپ هم وجود داشت. البته هیچ‌کدام‌شان نهایتاً به نتیجه نرسید. اما الان موضوع احیای برجام خیلی پیچیده‌تر شده است؛ به این دلیل که آمریکا از برجام خارج شده و پرونده هسته‌ای ایران هم در چهارچوب قانون راهبردی مصوب مجلس با تغییرات زیادی نسبت به گذشته روبه‌رو شده است. از طرف دیگر اروپا و روسیه که در دوره گذشته با یکدیگر همکاری تنگاتنگی در پرونده هسته‌ای ایران داشتند، الان تحت تأثیر موضوع اوکراین در تقابل شدید به سر می‌زنند. بنابراین وضعیت